

Analytical Study of Quranic and Jurisprudential Arguments of Trans People after Gender Reassignment based on Imam Khomeini's Views

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Peyman Abbasian Praskanloo ¹,
Hamid Kaviani Fard ^{2*},
Seyed Mohammad Shafiei Mazandarani ³

How to cite this article

Peyman Abbasian Praskanloo, Hamid Kaviani Fard, Seyed Mohammad Shafiei Mazandarani, Analytical Study of Quranic and Jurisprudential Arguments of Trans People after Gender Reassignment based on Imam Khomeini's Views, *Journal of Quran and Medicine*. 2021; 6(3): 121-132.

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: hamid.kaviani.fard@gmail.com

Article History

Received: 2021/06/08
Accepted: 2021/09/18
ePublished: 2021/12/21

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study is to study and explain the rights of trans people after gender reassignment from the perspective of the Qur'an and with emphasis on the jurisprudential ideas of Imam Khomeini. Imam Khomeini (RA) was one of the first contemporary jurists to allow transgender people to change their gender. Transsexual or TS is one of the disorders of sexual identity. Sexual identity disorders are problems that a person has in believing and accepting their own gender, and in fact lives in society with the behavior and social character of the opposite sex. Transgender people are among the last group of sexual disorders, which includes a very small number in any society, and according to statistics, three to four people out of every hundred thousand people are affected by this disease. For example, a person may have male sexual organs while his or her gender personality is female or vice versa. This conflict may be evident in the mind, private behavior, or social behavior. Although these people are allowed to change their gender from a jurisprudential and religious point of view, their rights are very little in Iranian law. Therefore, in this research, an attempt is made to explain the Quranic and jurisprudential arguments of the rights of these people.

Materials and Methods: This research has been carried out by the method of library studies and in a descriptive-analytical manner, which has been obtained and analyzed by referring to the Holy Quran and jurisprudential-legal evidences.

Findings: Although some jurists, citing some verses of the Qur'an, such as *لَتَبْدِيلَ لِيَخْلُقَ اللَّهُ* (Romans: 30) have not considered gender reassignment permissible, but attention to other verses of the Holy Qur'an (Hajj / 78, Maeda / 6, Baqara / 185 and 285) It indicates that in the religion of Islam.

Conclusion: there is no haraam ruling, and therefore, if any haraam ruling, despair and hardship is required from any ruling, according to the above verses, this ruling is negative and is useful from the description page, and therefore not changing gender, which is haraji. It is allowed. From Imam Khomeini's point of view, gender reassignment has significant effects on the issue of privacy, guardianship, child custody, inheritance, etc., each of which needs to be explained and studied.

Keywords: Quranic Arguments, Imam Khomeini, Gender Reassignment, Jurisprudence, Law

بررسی تحلیلی ادله قرآنی و فقهی حقوق اشخاص

ترنس بعد از تغییر جنسیت با تکیه بر آرای امام

خمینی

صفحه تشریح مرفوع است و لذا عدم تغییر جنسیت که حرجی است جایز می‌گردد. از دیدگاه امام خمینی نیز تغییر جنسیت بر مساله محرمیت، ولایت، حضانت کودکان، ارث و... تأثیرات بسزایی دارد که هریک نیازمند شرح و بررسی است.

واژگان کلیدی: ادله قرآنی، امام خمینی، تغییر جنسیت، فقه، حقوق.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

*نویسنده مسئول: hamid.kaviani.fard@gmail.com

مقدمه

ترانس سکشوال یا TS جزو اختلالات هویت جنسی محسوب می‌شود. اختلالات هویت جنسی یعنی مشکلائی که یک فرد در باور و پذیرفتن جنسیت خودش دارد و در واقع با رفتار و منش اجتماعی جنس دیگری در اجتماع زندگی می‌کند. ترنس سکشوال‌ها را جزو آخرین گروه اختلالات جنسی قرار می‌دهند که تعداد خیلی کمی را در هر جامعه ای شامل می‌شوند و براساس آمار از هر صد هزار نفر، سه تا چهار نفر مبتال به این بیماری هستند. برای مثال ممکن است فرد اعضای جنسی مردانه داشته باشد در حالیکه شخصیت جنسیتی اش زنانه باشد یا برعکس. این تضاد ممکن است در ذهن، رفتار خصوصی و یا رفتار اجتماعی مشخص باشد. امام خمینی (قدس سره) در کتاب "تحریرالوسیله" معتقد است که تغییر جنسیت حرام نیست. علاوه بر این، بیش از ده تن از فقیهان معاصر شیعه؛ معتقدند تغییر جنسیت جایز است. هویت جنسیتی به معنای شناخت فرد از خودش به عنوان زن یا مرد است. این مساله جدا از اندام جنسی و گرایش جنسی است. ممکن است شما اندام زنانه داشته باشید اما در ذهن خود را مرد بدانید و در واقع هویت جنسیتی مردانه داشته باشید. ترانس سکسوالیست‌ها یا تی‌اس‌ها، به لحاظ ظاهری و فیزیکی هیچ مشکلی ندارند. به لحاظ ژنتیک هم مشکلی ندارند. یعنی یک زن تی‌اس، کروموزوم‌های جنسی XX دارد و از این حیث کاملاً طبیعی است. اختلال تی‌اس‌ها، اختلال در احساسات و هیجانات و تمایلات آنها است. یعنی فردی که به لحاظ ژنتیک و ظاهر فیزیکی زن است، احساسات و تمایلات و رفتارهایش مردانه است و درباره خودش معتقد است که باید مرد می‌شد. یعنی احساس می‌کند که تمایلات و احساسات و روحیات مردانه اش در یک قفس زنانه گیر افتاده است. مثل مردها رفتار میکند و حتی پس از رسیدن به سن بلوغ، تمایلات جنسی شان هم مثل جنس مخالفشان است. و یا برعکس، شخصی که به لحاظ فیزیکی مرد است ولی احساسات زنانه دارد، احساس می‌کند در قفسی مردانه گرفتار شده است. تغییر جنسیت انواع گوناگونی دارد افرادی که از ابتدا دوجنسه بوده‌اند و هر دو آلت را داشته‌اند یا یک آلت کامل و یک آلت مبهم یا هیچ آلتی نداشته‌اند که در دین اسلام به آنها خنثی گفته می‌شود، در تمام ادیان جواز تغییر جنسیت خود را دریافت کرده‌اند اما گروه مورد اختلاف تراجنسی‌ها هستند که بر سر تایید یا رد تغییر جنسیت این افراد بین ادیان اختلاف نظر وجود دارد. این افراد را خنثی روانی یا دوجنسه کاذب می‌خوانند. تغییر جنسیت مساله

پیمان عباسیان پراسکانلو^۱

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

حمید کاویانی فرد^{۲*}

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

سید محمد شفیع مازندرانی^۳

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش بررسی و تبیین حقوق اشخاص ترنس بعد از تغییر جنسیت از دیدگاه قرآن و با تکیه بر اندیشه‌های فقهی امام خمینی می‌باشد. امام خمینی (ره) از نخستین فقهای معاصر بود که عمل تغییر جنسیت اشخاص ترنس سکشوال را جایز دانست، ترانس سکشوال یا TS جزو اختلالات هویت جنسی محسوب می‌شود. اختلالات هویت جنسی یعنی مشکلائی که یک فرد در باور و پذیرفتن جنسیت خودش دارد و در واقع با رفتار و منش اجتماعی جنس دیگری در اجتماع زندگی می‌کند. ترنس سکشوال‌ها را جزو آخرین گروه اختلالات جنسی قرار می‌دهند که تعدادی خیلی کمی را در هر جامعه ای شامل می‌شوند و براساس آمار از هر صد هزار نفر، سه تا چهار نفر مبتلا به این بیماری هستند. برای مثال ممکن است فرد اعضای جنسی مردانه داشته باشد در حالی که شخصیت جنسیتی اش زنانه باشد یا برعکس. این تضاد ممکن است در ذهن، رفتار خصوصی و یا رفتار اجتماعی مشخص باشد. این اشخاص با اینکه از نظر فقهی و شرعی تغییر جنسیتی شان مجاز شمرده شده است ولی حق و حقوق شان در قانون ایران بسیار کم رنگ می‌باشد. از این رو در این پژوهش تلاش بر آن است تا ادله قرآنی و فقهی حقوق این افراد تبیین گردد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به قرآن کریم و ادله فقهی - حقوقی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: هر چند برخی از فقها با استناد به برخی از آیات قرآن مانند *لَا تُبَدِّلْ لِحَالِقِ اللَّهِ رُومَ: ۳۰* تغییر جنسیت را جایز ندانسته‌اند لکن دقت در آیات دیگر قرآن کریم (حج/ ۷۸، مائده/ ۶، بقره/ ۱۸۵ و ۲۸۵) نشانگر آن است که در دین اسلام حکم حرجی تشریح نشده است.

نتیجه گیری: لذا چنانچه از ناحیه هر حکمی حرج، استیصال و مشقت لازم آید به استناد آیات شریفه فوق این حکم منفی و از

ای است که در قرن اخیر بر سر زبانها افتاده است. بر خلاف باور عموم اولین تراجنسی شناخته شده ایرانی در سال ۱۳۳۱ توسط دکتر خلعتبری جراحی شد، این فرد یک تراجنسی مرد به زن بود و پس از جراحی نام کبری را برای خود انتخاب کرد. اما اولین حکم شرعی تغییر جنسیت در دنیا توسط مریم خاتون پورملک آرا از امام خمینی دریافت شد. تغییر جنس دادن مرد به زن و بالعکس تغییر جنس زن به مرد، همچنین اقدام شخص خنثی به منظور ملحق شدن به یکی از دو جنس، ظاهراً حرام نیست. اینکه حضرت امام (س) در این موضوع، تعبیر به عدم حرمت کرده اند، از آن جهت است که بعضی صور مسأله محکوم به وجوب و بعضی دیگر محکوم به جواز، و عدم حرمت می باشد. در قوانین مدون ما به غیر از ماده ۹۳۹ قانون مدنی که آن هم در خصوص ارث است قانونی در این باره وجود ندارد. اما از آنجایی که اصل ۱۶۷ قانون اساسی می گوید: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد به استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد». فقه از جمله منابع حقوق ایران محسوب می شود. بنابراین باید به دنبال پیدا کردن حقوق ترنس ها در قواعد فقهی بود، اگر چه مواع قانونی و شرعی برای دریافت مجوز و تغییر جنسیت برای ترنس ها وجود ندارد اما همچنان خلأهایی در این مورد وجود دارد که مشکلاتی را برای این افراد به وجود می آورد. با توجه به حکم امام (ره) تغییر جنسیت در ایران منع قانونی ندارد. امام خمینی اولین کسی است که مباحث فقهی و حقوقی را در این زمینه مطرح کرد و فتوی داد که عمل تغییر جنسیت زیر نظر پزشک متخصص اشکال شرعی ندارد و مجاز است. در ایران حقوق مادی و معنوی برای این افراد لحاظ شده است موضوعاتی نظیر سرنوشت فرد ازدواج کرده در صورت تغییر جنسیت، فسخ ازدواج و ... اما هنوز در ایران با خلل قانونی مواجه هستیم. بحث مهریه و نفقه افراد تراجنسی هم از جمله مواردی است که با خلأ قانونی مواجه است و جای این سوال پیش می آید که در چنین شرایطی آیا مرد باید مهریه به زن بدهد؟ اگر مرد تغییر جنسیت دهد در این صورت شرایط چگونه خواهد بود؟ آیا پرداخت نفقه برای همسر واجب است؟ آیا مرد که تغییر جنسیت همچنان بر فرزندان خود ولایت دارد؟ میزان سهم الارث قبل از عمل یا بعد از عمل چگونه خواهد بود. در رساله حاضر سعی بر آن است تا اعمال اشخاصی را که به بیماری تراجنسی دچار شده اند را در قانون ایران و فقه امامیه بررسی کنیم و به سوالاتی از جمله اینکه آیا این اشخاص در ایران می توانند تغییر جنسیت بدهند؟ مراحل آن چگونه است؟ یا اگر شخص بیمار متاهل باشد و تغییر جنسیت بدهد تکلیف زوجه چگونه خواهد بود؟ عده طلاق یا فسخ یا عده وفات، در هنگام تغییر جنسیت چگونه خواهد بود؟ آیا لازم است ازدواج مجدد وی، پس از اتمام عده باشد یا وی می تواند فوری ازدواج کند؟ تکلیف ولایت بر فرزندان بعد از تغییر جنسیت چگونه خواهد بود؟

برای پاسخ به این پرسش ها ادله قرآنی و مبانی فقهی امامیه با تأکید بر اندیشه های فقهی امام خمینی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

ترنس سکشوال در علم روان شناسی

اصطلاح همجنس گرا غالباً برای توصیف یک نوع رفتار آشکار شخصی، گرایش جنسی و حتی هویت شخصی و اجتماعی به کار می رود. بسیاری ترجیح می دهند برای تعیین گرایش جنسی، به جای عبارت جنسی همجنس گرا (homosexual) که یک اصطلاح پزشکی است و معانی پاتولوژی و سبب شناسی در بطن خود دارد از اصطلاحات زن همجنس گرا (lesbian) و مرد همجنسگرا (gay man) استفاده کنند. رفتار جنسی را با اصطلاحاتی نظیر همجنس (same sex) و مذکر مونث (male female) توصیف کنند. هوکینز نوشته است که اصطلاحات زن همجنس گرا و مرد همجنس گرا به ترکیبی از هویت خوددراکی و هویت اجتماعی اشاره دارند و بازتابی از این واقعیت هستند که شخص همجنس گرا خود را تلوياً عضو گروهی می داند که برچسب های مشابهی خورده اند. هراس از همجنس گرایی نگرش منفی نسبت به همجنس گرایی یا همجنس گراها یا ترس از آنهاست. غیرهمجنس گرایی اعتقادی است که بر مبنای آن روابط با غیر همجنس بر همه روابط دیگر ترجیح داده می شود و تلوياً تبعیضی نسبت به کسانی است که به اعمال جنسی دیگری دست می زنند.

ترنس سکشوال در علم حقوق

تراجنسیتی حالت کسی است که دارای جنسیت مشخص و معین است، ولی قویاً اعتقاد دارد که او متعلق به جنس مخالف است. رفتارش را با رفتار جنس مطلوب خود مطابقت می دهد و سعی می کند که با استفاده از امکانات پزشکی و جراحی، جسم خود را نیز مطابق جنس مطلوب در آورد و شناسنامه خود را عوض کند. همچنین در تعریف تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم) چنین گفته شده است: ترانس سکشوالیسم یا زنانه گرایی یا مردانه گرایی جنس مخالف عبارت است از احساس مبرم ناراحتی و عدم سنجی از ساخت آناتومیک جنسی خود، و آرزوی مبرم به خلاصی از اعضای تناسلی خویش، و زندگی کردن به صورت فردی از جنس مقابل. تشخیص فوق فقط وقتی داده می شود که این آشفتگی اقلأ به مدت دو سال ادامه داشته باشد و محدود به دوره استرس نباشد و علت آن، اختلال روانی دیگری مانند اسکیزوفرنی نبوده و یا توأم با نابهنجاری کالبدشناسی جنسی یا ژنتیک نیز نباشد. چنین اشخاصی معمولاً از لباس مخصوص جنس آناتومیک خود ناراحت هستند و بارها این ناراحتی، منجر به پوشیدن لباس جنس مخالف می شود و غالباً به فعالیت هایی مربوط به جنس مقابل دست می زنند. برای توضیح بیشتر اصطلاح فوق، توضیح و تعریف سومی نیز آورده می شود: ترانس سکشوالیسم کسی است که جنس روانی وی با سایر ملاک های تعیین جنس، یعنی جنس کروموزومیک، هورمونال و آناتومیک او در تعارض است. چنین شخصی خود را قربانی یک اشتباه نابخشدونی طبیعت یا پدر و مادر تلقی می کند؛ زیرا از نظر وی، در حالی که جنس روانی وی اقتضای مرد بودن داشته، جنس ظاهری وی در شکل زن متجلی شده است. لذا این فرد سعی می کند که چاره ای برای معالجه این نقض و یا برطرف ساختن این عدم انطباق بیابد.

منجر می شود. همچنین سابقه اقدام به خودکشی در تعداد قابل توجهی از آنان (تقریباً ۱۶ درصد) گزارش شده است (۳). مردان دچار نارضایتی جنسیتی معمولاً از پزشک و درمانگر خود انتظار دارند که اندام تناسلی و پستان های آنها را به شکل زنان در آورد. از این رو، نخستین درخواست آنان از پزشکان، تجویز استروژن برای بزرگ شدن پستان هایشان است و به دنبال این تقاضا، خواستار عمل جراحی روی پستان ها، اخته کردن، قطع آلت تناسلی مردانه و حتی ایجاد یک اندام تناسلی زنانه می شوند. لازم به ذکر است که چنین تقاضایی را باید جدی گرفت؛ زیرا در اغلب موارد، طرح چنین درخواست هایی با توسل به تهدید و خودکشی و یا قطع عضو همراه است. بعضی از این بیماران اقدام به اخته کردن خود نموده و چنین وانمود می کنند که آسیب تصادفی بوده است.

ترنس مونث

زن های ترانس سکشوال، پستان های خود را سفت می بندند، یا به ماستکتومی دو طرفه، هیسترکتومی، برداشتن تخمدان ها متوسل می شوند. برای ایجاد توده عضلانی مردانه و کلفت کردن صدا تستسترون مصرف می کنند طوری که ممکن است شخص را از جنس مقابل تفکیک ناپذیر سازد. دختران دچار «اختلال هویت جنسی» در مقابل انتظارات یا تلاش های والدین برای پوشیدن لباس ها یا سایر آرایش های زنانه، واکنش منفی شدیدی نشان می دهند. برخی ممکن است از رفتن به مدرسه یا شرکت در نشست های اجتماعی که مستلزم پوشیدن لباس دخترانه یا زنانه است، اجتناب کنند.

دختران دچار این اختلال، ممکن است گاهی از ادرار کردن در وضعیت نشسته پرهیز کنند. این قبیل دختران معمولاً در ایفای نقش، رویاها و خیال پردازی هایشان هویت جنسی مخالف را به شکل آشکاری نشان می دهند. در نوجوانان و بزرگسالان، اشتغال ذهنی با آرزوی اتخاذ هویت جنسی مردانه، اغلب با فعالیت های عادی تداخل می کند و موجب افت تحصیلی یا کارکرد شغلی و سرانجام موجب ابتلا به افسردگی و اضطراب می شود.

درمان اختلال هویت جنسی (ترنس)

اصولاً در علم پزشکی برای درمان اختلال هویت جنسی از نوع تراجنسیتی، یکی از سه روش زیر مدنظر است:

روش اول - روان درمانی: بیماری تراجنسیتی (نارضایان جنسی) یک بیماری روحی و روانی است و شخص دچار عدم تطابق جنسی است. اعتقاد او به جنسیت خویش، برخلاف ظاهر جسمی او است. بنابراین، در وهله اول، بایستی معالجات روان درمانی انجام پذیرد. هدف از این معالجه، پذیرش جنسیت ظاهری از سوی شخص بیمار است. به اعتقاد برخی روان شناسان، این نوع بیماری، از پیچیده ترین بیماری های روحی محسوب می شود. از این رو، درصد موفقیت این معالجات نسبت به بیماران اختلال هویت جنسی، بسیار کم است بنابراین، روش های دیگری مورد توجه قرار می گیرد.

روش دوم - هورمون درمانی: این روش به صورت مستقل و یا به صورت روش تکمیلی در کنار روش اول و روش سوم مورد توجه قرار می گیرد. پزشکان به تقویت هورمون جنسیتی که علائم آن در بدن شخص ظاهر است، تلاش می کنند که بین بدن و روان او توافق و هماهنگی ایجاد نمایند. علاوه بر این، این روش می تواند در تمییز

از این رو، می توانیم ترانس سکشوالیسم را چنین تعریف نماییم: تعارض جنس روان شناسانه و یا جنس رفتاری یا جنس ظاهری که معمولاً جنس ظاهری نیز به نوبه خود نتیجه جنس کروموزومیک و هورمونال است. با این تعریف، ترانس سکشوالیسم، حالت فردی است که این دو جنس وی با هم در تعارض باشند و الا پس از عمل جراحی برای انطباق جنس ظاهری بر جنس روانی و یا جنس روانی بر جنس ظاهری، دیگر به وی ترانس سکشوالیسم نباید اطلاق نمود. همچنین باید ترانس سکشوالیسم را از فرد خنثی یا دو جنسی (هرمافرودیت) تمییز داد. فرد خنثی، تعارض جنسی اش در همان مرحله جنسی آناتومیک است؛ یعنی هم ظاهر و آلت جنسی مردانه دارد و هم زنانه، در حالی که در ترانس سکشوالیسم این تعارض در دو ملاک از ملاک های تعیین جنس می باشد.

تغییر جنسیت

بحث تغییر جنسیت امروزه یکی از موضوعات روز و مبتلا به در سطح جهان است که ممکن است آن را یکی از فروع بحث تشبیه مرد به زن و زن به مرد دانست. در یکی از نشریات به تازگی مقاله ای از یکی از پژوهشگران محترم حوزه پیرامون تغییر جنسیت چاپ شده بود که آن را در سمیناری با همین موضوع ارائه کرده است و چون با موضوع بحث روزهای اخیر درس ما تناسب دارد بد نیست برای مقدمه به بخش هایی از آن اشاره کنیم (۱).

مراد از تغییر جنسیت قطع آلت تناسلی و ایجاد حفره ای به جای آن نیست تا مرد بعد از عمل جراحی شبیه زن شود یا زن تبدیل به مرد شود چون که چنین کاری موجب تغییر جنسیت نمی شود و بلکه مقصود آن است که هویت و جنسیت مرد یا زن به کلی تغییر یابد (۲). مقصود از تغییر جنسیت این است که هویت و جنسیت مرد یا زن به کلی تغییر کند. بنابراین تغییر جنسیت یعنی دگرگونی از جنسیت خود به جنس مخالف خود گفته می شود. تغییر جنسیت به دو صورت ممکن است مصداق داشته باشد:

یکی تعیین جنسیت یا تغییر اثباتی باشد یعنی تغییر جنسیت برای آشکار نمودن جنسیت واقعی شخص انجام می گیرد.

دوم: تبدیل جنسیت یا تغییر جنسیت فرد به طور صوری و ظاهری انجام می شود؛ بنابراین اصطلاح تغییر جنسیت در مواردی مناسب است که شخص دارای جنسیتی ثابت و معین باشد و سپس با انجام عمل جراحی جنسیت مشخص خود را به جنسیت معین دیگری تغییر دهد.

اقسام ترنس سکشوال

بیماری فوق هم در مردان و هم در زنان یافت می شود، با این تفاوت، این بیماری در مردان بیش از زنان مشاهده می شود، که در ذیل ترانس سکشوال مذکر و ترانس سکشوال مونث جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

ترنس مذکر

بیماری از مردان دچار نارضایتی جنسیتی، از وضع ناجور خود در رنجند. ابتلا به افسردگی در آنان شایع است و ویژگی های شخصیتی هم چون خود مدار بودن، پرتوقعی و توجه طلبی را از خود نشان می دهند. در برخی از پژوهش ها، عنوان شده است که تقریباً یک سوم این افراد ازدواج می کنند و نیمی از این ازدواج هت به طلاق

یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد.

استفتائات فقهی

برای اطلاع از نظر فقیهان، در ذیل برخی از استفتائاتی که در خصوص حکم تغییر جنسیت آمده را تبیین می نماییم.

امام خمینی (ره) «تغییر جنسیت مرد به زن به سبب عمل و بر عکس آن ظاهراً حرام نسبت»^۱.

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)

ظاهراً حایر می باشد و بعد از تغییر جنسیت باید به وظایف جنسی که تغییر پیدا کرده عمل نماید^۲.

حضرت آیت الله العظمی اراکی (ره)

اگر عمل جراحی، واقع مقدر را کشف می کند، مانعی ندارد و ترتیب آثار و احکام شرعی مختص به زن و مرد تابع جنس واقعی است...^۳.

مقام معظم رهبری

برای کشف و آشکار کردن واقعیت جنسی آنان اشکال ندارد، به شرطی که این مستلزم فعل حرام ترتب مفسده ای نباشد.

اصول عملیه و قواعد فقهی

تغییر جنسیت را بر اساس اصول عملیه و قواعد فقهی در ذیل بررسی تا به این وسیله مبنای استنباطی نظر برگزیده تبیین شود.

قاعده عسر و حرج

بر اساس آیات قرآن کریم (حج / ۷۸، مائده / ۶، بقره / ۱۸۵ و ۲۸۵) در دین اسلام حکم حرجی تشریح نشده است و لذا چنانچه از ناحیه هر حکمی حرج، استیصال و مشقت لازم آید به استناد آیات شریفه فوق این حکم منفی و از صفحه تشریح مرفوع است.

اصل برائت

بر اساس آیات الهی (بقره / ۲۸۶، اسراء / ۱۵، یوسف / ۷۹ و انفال / ۴۲) و سنت معصومین (ع)، حکم عقل و اصل ۳۷ قانون اساسی و مواد مختلف قوانین مدنی و جزایی؛ اصل بر بی گناهی افراد در افعال خود می باشد.

حقوق انسانی

اساس حقوق بشر اقتضاء دارد بدون دلیل تن و روان آدمی محبوس نشود و زمینه های آزار انسانی زایل شده تا بتواند به صورت انسانی آزاد و متعادل از حقوق و تکالیف مناسب برخوردار باشد.

از آنجایی که افراد دگر جنسیت جو روان خود را محبوس در ظاهر جسمی نامتناسب با روحیات و خلقیات که در ایشان نهادینه شده است می یابند با توجه به عدم حرمت و فقدان قانون منع کننده باید با توجه به قاعده و اصول فوق، قائل به مشروعیت تغییر جنسیت بر اساس نظریه قطعی کارشناسان مختلف بود. حق تعیین سرنوشت در چنین مواردی نیز اقتضای تجویز آن را دارد و به هر شکل نمی توان وجود متقاضیان منحرفی که از روی تفنن خواستار تغییر جنسیت هستند را مانع از موافقت اصولی با این اقدام دانست و لذا

غالبیت جنسیتی بر جنسیت دیگر در دو جنسی (خنثائی بدنی) نیز استفاده شود، زیرا در دو جنسی نیز قبل از برداشت علائم یکی از دو جنسیت، باید برای پزشک جراح، اثبات شود که بقای علائم کدام جنسیت برای شخص مناسب تر و مفیدتر است و هورمون درمانی می تواند در تشخیص جنسیت مناسب به جراح کمک نماید (۴).

روش سوم- انجام جراحی تغییر جنسیت: در این روش شخص به جنسیتی ملحق می شود که در نتیجه آزمایشات برای پزشک متخصص، هماهنگی و توافق آن نسبت به بدن (ترانس سکشوال) برداشته می شود و برای او علائم مصنوعی جنسیتی درست می شود که او به آن جنسیت ملحق شده است. و ضمناً انجام جراحی تغییر جنسیت در دو جنسی ها نیز مورد توجه پزشکان جراح است. در این حالت، ممیزی یکی از دو جنس نامناسب نیست به وضع و تمایلات روانی شخص برداشته می شود و علائم بدنی جنسیت مناسب جایگزین می گردد.

ادله قرآنی و فقهی جواز یا تغییر جنسیت

قائلین به جواز فرموده اند: دلیلی بر حرمت ذاتی تغییر جنسیت نداریم، بنابراین، اصل جواز آن است، چون « کُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بَعِيْنَه » (وسایل الشیعه. روح انسانی بر جسم فائق و علت عمده برتری انسان بر سبب مخلوقات است، اگر به دلایل روانی این دو با هم همخوانی نداشتند باید جسم را با روح که در انسان دارای اصالت است تطبیق داد. از نظر فقیهان شیعه دلیل شرعی از قرآن کریم یا روایات اسلامی مبنی بر حرام بودن تغییر جنسیت نداریم. همچنین کسانی که خواهان تغییر جنسیت هستند به بیماری شدید جنسی و روحی مبتلا شده اند و تغییر راهی برای معالجه و درمان اینگونه بیماران است. بنابراین تغییر جنسیت، تغییر در خلقت خدا محسوب می شود (۵). از سال ۱۹۹۳ در فرانسه و غالب کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای لیبرال این امر تجویز شده است.

آیه ۷۸ سوره حج

خداوند متعال در آیه ۷۸ سوره حج می فرماید: «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج؛ و قرار ندادیم برای شما در این دین حرج و مشقت و سختی». این آیه شریفه به صراحت از نفی حکم حرجی و مشقت بار در دین مبین اسلام سخن می گوید. بنابراین و با توجه به اینکه عدم تغییر جنسیت برای افراد ترنس مشقت بار و حرجی است از دیدگاه اسلام تغییر جنسیت مجاز شمرده می شود چه اینکه آیین اسلام با هیچ حکم حرجی موافقت ندارد.

اصل ۱۶۷ قانون اساسی

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال

^۳ .http:// lousi.blogfa.com/post-26.aspx, http:// www. Shlteworld. Com/newsdetail.id- 953.

^۱ .http:// www. N-narjes. Org/maaref/ ahkam/tafkik/ahkam 14.htm

^۲ . http:// www. N-narjes. Org/maaref/ ahkam/tafkik/ahkam 14.htm

در مورد پیرامون عدم جواز و تحریم تغییر جنسیت به طور کلی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

حرمیت نگاه و لمس عورت نامحرم انجام عمل های تغییر جنسیت، باعث ارتکاب مقدمات از قبیل نگاه کردن به شرمگاه و لمس عورت نامحرم می باشد که از دیدگاه شرع حرام است و دلیل هایی از آیات، روایات و اجماع اثبات کننده این ادعاست. برای اثبات حرمیت نگاه کردن به عورت نامحرم به آیاتی از قرآن از جمله آیه ۳۰، ۳۱، و ۵۸ سوره نور^۱ استدلال شده است. این دو آیه دلالت می کند بر اینکه ستر عورت بر فرد واجب است و علاوه بر آیات قرآن، روایاتی هم در این زمینه وجود دارد که بر موضوع مذکور دلالت دارد.

نقد و بررسی

نگاه و لمس عورت نامحرم در شرایط عادی، حرام و منتهی عنه شارع است و از مسلمات احکام اسلامی است، ولی این حکم در موارد ضرورت رفع شده و یکی از موارد ضرورت نیز مواردی است که درمان، متوقف به نگاه و حتی لمس پزشک نامحرم باشد، بنابراین اگر عمل جراحی به منظور معالجه باشد، مثل این است که شخص رغبت ویژه ای به جنس مخالف داشته باشد، به گونه ای که در جسم و روح او اختلالاتی به وجود آید که در این صورت، ضرورت معالجه، این کار ممنوع را مباح می کند. نتیجتاً حرمیت نگاه و لمس به واسطه ضرورت معالجه و اهمیت مصلحت لزوم آور، برداشته می شود (۲). علاوه بر این فقها معتقدند تغییر جنسیت بدون ملزومات حرام فی النفسه جایز است و حرام نیست ولی اگر همراه با ملزومات حرام باشد، جایز نیست و بر این اساس اگر فرد سالمی که مشکل روحی و جسمی ندارد، بخواهد تغییر جنسیت دهد در شرایط عادی چون همراه با ملزومات حرام است، جایز نیست؛ ولی در مورد کسی که بیماری جسمی یا روحی دارد، با توجه به اینکه معالجه شخص بیمار مترتب بر لمس عورت و نگاه به شرمگاه است، ضرورت درمان، این حرمت را زایل می کند.

قاعده لاضرر و لا ضرر

از جمله دلایلی که برای اثبات حرمیت مطلق تغییر جنسیت از طریق عمل جراحی بدان استناد کرده اند، حرمت ضرر زدن به نفس از طریق ایجاد نقص در بدن است که این حرمت به موجب قاعده لاضرر و لاضرر به دست می آید نظرات و دیدگاه های مختلفی در مورد مفاد قاعده لاضرر گفته شده است. ولی از مجموع این نظرات می توان استنباط کرد که ضرر و زیان اسلام غیر مشروع و مذموم قلمداد شده است. بنابراین، عمل جراحی برای تغییر جنسیت، مستلزم داشتن اعضای ظاهری یک جنس و انجام عملیات مختلف جراحی برای تبدیل شدن به جنس دیگر است و در موارد زیادی مشاهده شده که خطرات جبران ناپذیری متوجه فرد متقاضی عمل شده و

باید به تحت شرایط و ضوابط محدود و مضبوط آن را صرفاً برای بیماران تجویز کرد.

این دو نوع از تغییر جنسیت در دیدگاه فضل الله، جایز و رواست. مستند وی برای تجویز این دو نوع از تغییر جنسیت بر دو پایه استوار است. نخست فقدان دلیل بر تحریم و دیگری اصل اباحه اولیه امور: « و فی هذه الحالات الاخيره التي ذكرناها لا نمتلك أي دليل أو نص شرعي يقضي بحرمتها و ما لم يقم عندنا دليل شرعي على تحریم تغییر الجنس بالعنوان الاولى فلا من حيث المبدأ و اجراء العمليات الجراحية التي تتعلق بهذه الخصوص »

« در حالت های آخری که برشمردیم؛ دلیل و یا نص شرعی که حرمت آنها را اثبات کند، در دست نداریم، و تا هنگامی که دلیل شرعی بر حرمت تغییر جنسیت با عنوان اولیه آن وجود نداشته باشد، مانعی برای انجام عمل جراحی و اصل بر این نوع تغییر جنسیت، وجود ندارد. »

در جای دیگر، فضل الله برای اینکه نشان دهد در این نگاه تنها نیست، به فتوی امام خمینی (ره) و آیت الله خویی مبنی بر تجویز تغییر جنسیت اشاره می کند و اصل حلیت را توضیح بیشتر می دهد. « و کسب فی ذلک أننا لا نملك دليلاً على الحرمة و من المعلوم أنه فی حال التردد و الشك فيما بين الحرمة و الحلية فالأصل الحلية » « سبب جواز تغییر جنسیت آن است که دلیلی بر حرمت، اصل حلیت است. »

پی آیند روشن و طبیعی روا دانستن این دو نوع از تغییر جنسیت، آن است که فضل الله، احکام شرعی پس از آن را تابع و برآیندی از وضعیت جدید بشمارد و بگوید:

« و فی حال تحقق هذا المعنى فإنه لا بد أن يترتب عليه كل الآثار التي تترتب على الحالة الجديدة كما لو كانت انثى من الأساس حيث يجوز لها بعد التحويل أن تتزوج و تحمل و تلد و يكون ارتها و كل الاعمال فيما يترتب على المرأة من الاحكام و الاعمال باعتبار أنها غدت امرأة حقيقية حيث أن الموضوع اذا تبدل، فان من الطبيعي أن يأخذ الوضع الجديد احكامه الجديدة »

« با تحقق تغییر جنسیت، لاجرم تمامی آثار حالت جدید بر آن مترتب می گردد. چنانچه اگر از همان اول زن می بود. زیرا با این فرض، پس از عمل جراحی می تواند ازدواج کند؛ باردار شود و فرزند بزیاید. ارث و سایر اعمال و احکام او، به اعتبار اینکه فعلاً یک زن قلمداد می شود بسان دیگر زنان خواهد بود. چه طبیعی است که وضع جدید احکام جدید بیاید. »

در مقابل گروهی از فقها و قرآن پژوهان اسلامی، به حرمت تغییر جنسیت نظر داده اند. این گروه در اندیشه اسلامی بیشتر نگرش مذهبی اهل تسنن وابسته هستند.

دلایل عدم جواز تغییر جنسیت

آیه ۳۰ و ۳۱ و ۵۸ سوره مبارکه نور: « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ »، « وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ »، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتُنْذِرَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

علاوه بر عدم حصول بهبودی، کارآمدی سابق اعضا نیز از بین رفته است. علاوه بر آن با عمل جراحی، ایجاد نقص در بدن حاصل می شود که حرام است و امکان اتصال آلت تناسلی جنس مخالف، حرمت را بر نمی دارد و وصله و بخیه زدن نقص را تقویت می کند و نقص ضرر است و به حکم حدیث نفی ضرر وارد کردن آن حتی به بدن خود، حرام است (۲، ۶، ۷).

نقد و بررسی

این دلیل حرمت مطلق تغییر جنسیت را اثبات نمی کند و در صورتی که مصلحت لزوم آور وجود داشته باشد، حرمت ضرر رساندن به بدن برداشته می شود و در صورتی که شخص در اثر بیماری، ناچار به برداشتن عضوی از اعضای خود باشد، قاعده اباحه ی امور ممنوع در مواقع اضطرار حاکم است (۷).

حرمت تغییر در مخلوقات خداوند

از مهم ترین دلایل دیگر این نظریه، حرمت تغییر در خلقت و آفرینش خداوندی است که بر اساس آن تغییر جنسیت، غیرمجاز است؛ زیرا خداوند سبحان انسان را مذکر و مؤنث خلق کرده و هیچ قدرتی نباید مذکری را به مؤنث یا مؤنثی را به مذکری تغییر دهد (۷). که مستند حرمت تغیر بیر در مخلوقات خداوند، آیه های شریفه ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره مبارکه نساء^۱ است.

بر اساس معنای ظاهری کلام خدا، شیطان می گوید: من به انسان ها دستور می دهم و ایشان نیز بنا بر دستور من دست به تغییر مخلوقات خداوند می زنند. البته باید گفت تغییر در خلقت به طور مطلق نمی تواند ناپسند و فانی از خواست و کار شیطان باشد، چرا که انجام برخی از این تغییرات، مثل ختنه کردن، یا قطع کردن بند ناف جنین، چیدن موهای زائد بدن و کوتاه کردن موهای سر و ریش، از اموری هستند که شارع نه تنها ما را از انجام آن ها باز نداشته، بلکه مأمور به انجام آن ها نیز کرده است. فلذا، باید مقصود آیه نوعی خاص از تغییر در خلقت باشد. مفسران در اینکه مراد از تغیر بیر در مخلوقات الهی چیست باهم اختلاف نظر دارند، ولی می توان سخنان ایشان را حول دو محور تغییرات حسی و ظاهری و یا تغییرات معنوی و باطنی گردآوری کرد (۲). به هر حال گروهی از فقها تغییر جنسیت را از مصادیق تغییر در آفرینش الهی به شمار آوردند و با استناد به این آیه ها، قائل به حرمت این عمل شده اند. آیت الله سبحانی تقریر می دارند که شکی نیست که تغییر جنسیت از مصادیق تغییر آفرینش خداوند است و این کار به نص آیه کریمه حرام است. مگر در مواردی که جواز آن به دلیل خاص ثابت شده است؛ مثل ناخن گرفتن و یا کم کردن موی بدن..

نقد و بررسی

در نقد دلیل مذکور آمده است « اولاً آیات مذکور اطلاق ندارد؛ زیرا در مقام سرزنش آن چیزی است که مشرکان می خوانند و درصدد بیان دشمنی شیطان و سرکشی او و اشاره به اقوال اوست

^۱. خدا او را از رحمت خویش دور ساخته و او گفته است: از بندگان تو سهم معینی خواهم گرفت (۱۱۸) و آن ها را گمراه می کنم و به آرزوها سرگرم می سازم و به آنان دستور می دهم که

که از سرکشی و هواهای مانع فطرت توحیدی و منجر به شرک و نشر بدعت های حرام حاصل شده است. ثانیاً اگر مطلق تغییر تکوینیات حرام باشد، تخصیص اکثر لازم می آید که قبیح است (۲). علاوه بر آن منظور از تغییر در خلق خدا، عبارت است از پدید آوردن آنچه انسان را از فطرت نخستین خارج می سازد گفته می شود در حالی که با تغییر جنسیت، انسانیت تغییر نمی کند و نهایت چیزی که رخ می دهد تغییر در صفت انسان است و هیچ گاه انسان به جماد یا حیوان و سنگ تبدیل نمی شود بلکه انسان همان انسان باقی می ماند منتها در این عنوان جدید، تکالیف و وظایف وصفی اش تغییر می یابند.

۳-۴ عدم مقدر بودن تغییر جنسیت

خداوند انسان را مذکر و مؤنث آفریده و هیچ قدرتی نمی تواند مذکر را به مؤنث یا مؤنث را به مذکر تغییر دهد؛ بنابراین اگر علائم جنسیتی شخصی به وسیله عمل جراحی برداشته شود و یا با تزریق هورمون، علائم جنس مخالف در فرد ظاهر شود که او را شبیه جنس دیگر کند، این شخص در واقع تغییر جنسیت نداده، بلکه از جهت ظاهری شبیه جنس مخالف شده و لکن وجود او ملحق به جنسیت سابق است. بر این اساس، تغییر موضوع مذکر یا مؤنث یا بالعکس، امری غیرمقدور و ناشدنی است و چون موضوع، تغییرناپذیر و ثابت است، حکم آن نیز ثابت و غیرقابل تغییر است (۶).

نقد و بررسی

در نقد این دلیل باید گفت تغییر جنسیت شامل همه ی افراد نمی شود بلکه افراد خاصی را در بر می گیرد که گرایش های جنسی و روانی ایشان با علائم جنسی ظاهری شان نمی خواند انجام می شود لذا خداوند انسان را مذکر و یا مؤنث آفریده و کسی که دارای علائم هر دو جنس است یکی از این علائم اصلی و دیگری زائد است با این عمل شخص به سمت جنسیت اصلی خود رهنمون می شود و ویژگی های آن جنس ظاهرو نمایان پیدا می کند بنابراین مراجعه به متخصص جهت تشخیص جنسیت اصلی و زایل کردن جنسیت غیر اصلی خود نه تنها امری ممنوع نیست بلکه شایسته و پسندیده نیز است.

مخالفت با مصالح جامعه و حفظ نظام

دلیل دیگری که برای حرمت تغییر جنسیت اقامه شده است، مخالفت آن با مصالح عمومی و حفظ نظام است. ابتدا لازم است جایگاه قاعده شناخته گردد تا آنگاه بتوان به تطبیق موضوع نظر داشت.

قاعده حفظ نظام و مصالح جامعه مورد توجه و استناد شارع مقدس بوده است. از جمله استدلال امام صادق(ع) به این قاعده جهت اثبات اعتبار قاعده « بد » است. فردی از امام صادق(ع) می پرسد که آیا اگر من مالی را در دست شخصی دیدم، می توانم شهادت دهم که مال متعلق به اوست؟ امام در جواب گفت: بله.

گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش پاک خدایی را تغ بیر دهند و هر کس شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند زبان آشکاری کرده است (۱۱۹) (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی).

بیشتر کشورها مقررات و شرایط خاصی در این باره وضع شده است، مغایرتی با مصالح جامعه نخواهد داشت.

عدم منفعت عقلایی مشروع تغییر جنسیت عملی است که پزشک متخصص آن را انجام می دهد و باید از انجام فعل پزشکی و جواز و عدم ممنوعیت آن اطمینان حاصل کرد. لذا در قانون و فقه می بینیم که صاحب نظران در باب اجازه شخص و نیز شرط فعل که از اعمال حقوقی بارز و مشهور بوده و موضوع آن انجام فعل است، اظهار نظر نموده اند که عمل مورد اجازه یا مشروط باید دارای منفعت عقلایی مشروع و قابل اعتنایی باشد که در مورد عمل پزشکی نیز باید این موارد رعایت گردد؛ بنابراین، اگر شخصی بدون مشکل بدنی و روانی قابل توجه اقدام به تغییر جنسیت خود نماید، چون این عمل نه تنها دارای منفعت مشروع قابل توجه عقلایی نیست، بلکه شخص را گرفتار بحران روانی و روحی می کند، لذا انجام آن نامشروع تلقی می گردد (۷).

نقد و بررسی

در نقد این دلیل می توان گفت وقتی این دلیل دلالت بر عدم مشروعیت تغییر جنسیت دارد که منفعت عقلایی در کار نباشد، ولی اگر بر انجام این عمل مصلحت و منفعت عقلایی مترتب باشد، غیر مشروع نخواهد بود. به تعبیر دیگر، وقتی شخص با تغییر جنسیت از یک گرفتاری جسمی و یا روانی خارج می گردد، قطعاً دارای منفعت عقلایی بوده و مشروعیت دارد.

قاعده سلطنت یا تسلیط

از دلیل دیگر این نظریه، استناد به قاعده سلطنت در ممنوعیت تغییر جنسیت است. برای اثبات این قاعده به آیات، روایت به خصوص روایت «الناس مسلطون علی اموالهم» (۱۱) و عقل استناد شده است. مفاد قاعده بیانگر آن است که افراد بر اموال خود سلطه دارند و حق هرگونه تصرف مجاز و قانونی را در مال خود را دارند. بر اساس قاعده تسلیط روشن گردید که بدان معنی است که انسان می تواند تصرفی نماید که از دیدگاه عقلا متعارف و معقول باشد. در نتیجه، قاعده سلطه بر نفس نیز در همین راستا و حدود قرار می گیرد و اشخاص فقط در صورتی می توانند در بدن و نفس خود تصرف کنند که جنبه عقلایی داشته باشد و حال آنکه از دیدگاه عقلا، تغییر جنسیت کسی که غایب روانی او مطابق با علائم بدنی اوست، تصرفی نامعقول و نامتعارف است. لذا با استناد به این دلیل، نمی توان تغییر جنسیت را به طور مطلق مشروع و مجاز دانست؛ زیرا به استناد اصول و قواعد مسلم حقوقی و سیره عقلا، تصرفات لغو و زائد یا دارای مفاسد اجتماعی یا شخصی، مشروع و مورد حمایت قانون نیست.

در نقد این دلیل آمده است که قاعده تسلیط نمی توان عدم مشروعیت مطلق تغییر جنسیت را اثبات کند؛ زیرا تسلط نفس مقید به تصرفات عقلایی است و در جایی که شخص از نظر روحی و روانی دچار مشکل باشد، تصرفی که سبب رفع مشکل می شود، عقلایی است و تحت قاعده تسلیط واقع می شود.

بنابراین با استناد به ادله معتقدین به عدم مشروعیت تغییر جنسیت، نمی توان تغییر جنسیت را به طور مطلق نامشروع دانست، بلکه

فرد گفت: شهادت می دهم که مال در دست اوست، ولی شهادت نمی دهم که مال متعلق به اوست؛ چون که ممکن است متعلق به دیگری باشد. امام (ع) از او پرسیدند: آیا خرید آن مال از او مجاز است؟ شخص در پاسخ گفت: بله. امام علی (ع) فرمود: شاید آن مال متعلق به دیگری باشد، چگونه خرید آن برای تو مجاز بوده و ملک تو می گردد و می گویی که متعلق به من است و بر این ادعای خود سوگند می خوری، در حالی که جایز نیست بگویی که فردی که تو از طریق او مالک این مال شدی، قبلاً مالک آن بوده است؟ سپس امام (ع) فرمود: اگر انتساب مال به کسی که آن را در اختیار دارد صحیح نباشد، بازار و داد و ستدی برای مسلمانان شکل نخواهد گرفت (حرعاملی، بی تا، ۲۱۵). این حدیث به روشنی به قاعده حفظ نظام تأکید دارد.

صاحب جواهر، وجوب نصب قاضی را مستند به جلوگیری از اختلال نظام می داند (۸). همچنین در مورد مصلحت می نویسد: «از اخبار و سخنان فقیهان بلکه از ظاهر قرآن، فهمیده می شود که همه دادوستدها و معاملات و غیر آن برای مصالح و سودهای دنیوی و اخروی مردم است یعنی آنچه از نظر عرف، مصلحت و سود نامیده می شود، تشریح شده است (۸). بعضی از فقها حفظ نظام و مصالح مسلمین را فلسفه تشکیل حکومت می داند (۹). شیخ طوسی آغاز تصمیم حاکم اسلامی و فقیه را بر پایه مصلحت می داند (۱۰). بنابراین قاعده حفظ نظام بارها و استناد واقع شده است. مع الوصف، قاعده حفظ نظام و مصالح عمومی مورد تأکید و به عنوان کبری ما ثابت و مسلم است. بدون شک هر چیزی که مخالف نظام و مصالح عمومی باشد، حکومت اسلامی باید جهت حفظ نظام و مصالح عمومی با آن برخورد و مقابله کند. در تطبیق موضوع باید گفت که انجام عمل های تغییر جنسیت، باعث برهم خوردن بسیاری از روابط حقوقی فرد و افرادی می شود. مثلاً در بحث حقوق خانواده، زوج یا زوجه ای که به جنس مخالف تغییر جنسیت می دهد، رابطه زوجیت و احکام راجع به آن را دچار اختلال می کند. رابطه ولایت و صدق عناوین خانوادگی را برهم می زند که کاملاً با مصالح عمومی و حقوق افراد دیگر در تضام است؛ بنابراین برای جلوگیری از به وجود آمدن این اختلالات و حفظ مصالح عمومی می توان به جرأت گفت که قول به عدم مشروعیت تغییر جنسیت سخنی مقرون به صحت و موافق با موازین شرعی است. قواعدی که وضع بدنی شخص را در جامعه تعیین می کنند تنها برای حفظ منافع و مصالح فردی او وضع نشده اند، بلکه هدف این گونه قواعد، تأمین مصالح عمومی جامعه است. به همین جهت اشخاص نمی توانند برخلاف آن ها با کیدیگر توافق کنند، چنانکه به وسیله قرارداد نیز نمی توان تابعیت یا جنسیت کسی را تغییر داد.

نقد و بررسی

در صورتی تغییر جنسیت دلالت بر عدم مشروعیت می کند که در علم پزشکی تغییر جنسیت مشروط به شرایطی نباشد و هر کسی که اراده تغییر جنسیت نماید، درخواست او پذیرفته شود، ولی اگر تغییر جنسیت مشروط به شرایطی شود، همان طوری که در

این دلایل، شامل موردی می شود که تغییر جنسیت برای شخص، مضر و آسیب رسان باشد و منفعت عقلایی و تصرف معقول به حساب نیاید و یا او برخلاف میل خویش اقدام به تغییر جنسیت خود کند؛ ولی در مواردی که تغییر جنسیت به عنوان یک راه درمان یا یک عمل مفید و دارای منفعت عقلایی مشروع انجام می شود، دلایل یاد شده نمی توانند دلالت بر ممنوعیت آن نمایند.

آثار فقهی و حقوقی تغییر جنسیت از نظر امام خمینی
تأثیر تغییر جنسیت بر ازدواج

گاه شخص پس از ازدواج، جنسیت خویش را تغییر می دهد، که ازدواج سابق، خود به خود باطل یا منحل می گردد و نیاز به فسخ یا طلاق نیست؛ چه اینکه یکی از مسائل بدیهی در فقه اسلامی، لزوم اختلاف جنس در ازدواج است و ازدواج مرد با مرد و ازدواج زن با زن مشروع نبوده و مصداق «لواط» و «مساخه» است (۱۲). هر گاه این رکن مسلم ازدواج، به هر دلیلی از جمله تغییر جنسیت یکی از زوجین مخدوش گردد، ازدواج سابق باطل می شود (۹).

گاه زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت می دهند. در این صورت تغییر جنسیت زوجین گاه «غیر همزمان» است. امام خمینی قدس سره می گوید اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند، اگر تغییر جنسیت آن دو با هم در یک زمان نباشد، ازدواج باطل است. چون با تغییر جنسیت اول (مثلاً زوج) ازدواج سابق باطل می شود و تغییر جنسیت دوم (مثلاً زوجه) تأثیری در حکم مسأله، یعنی بطلان ازدواج سابق ندارد.

چنانچه زن و شوهر در یک زمان، تغییر جنسیت دهند؛ امام خمینی قدس سره معتقد است در بقا یا عدم بقای ازدواج سابق، دو احتمال وجود دارد: احتمال اول آنکه ازدواج سابق، همانند موارد قبل، باطل باشد، احتمال دوم آنکه ازدواج سابق همچنان برقرار است، الا اینکه زن مرد می شود و بر وی واجب است نفقه به زوجه پرداخت کند و مرد زن شده و بر وی اطاعت از شوهر واجب است. امام خمینی قدس سره راه احتیاط را برگزیده و معتقد است احتیاط شرعی آن است که آن دو ازدواج مجدداً ازدواج کنند، و زن فعلی با فرد دیگری ازدواج نکنند، مگر اینکه با اجازه هر دو طلاق بگیرد، هر چند بعید نیست ازدواج آنها همچنان برقرار باشد (۹، ۱۳).

برخی فقیهان شیعه در توضیح کلام امام خمینی قدس سره معتقدند در این حالت، این احتمال وجود دارد که بتوان، اصل ازدواج سابق را استصحاب کرد، اگر چه در وضعیت جدید، برخی خصوصیات و صفات مثل صفت مذکر بودن و مونث بودن تغییر کرده است، ولی به بقای موضوع و وحدت آن ضرری نمی رساند. پس می توانیم استصحاب ازدواج را جاری کنیم (۱۴).

در مقابل عده ای معتقدند در تغییر جنسیت همزمان زوجین، نکاح سابق باطل خواهد شد؛ چون در استصحاب ازدواج سابق، براساس ارتکاب عرفی، بایستی مرد بر صفت «مرد بودن» و زن «بر صفت زن بودن» باقی باشد؛ حال آنکه پس از تغییر جنسیت، موضوع با این خصوصیت، از بین رفته است بنابراین برای استصحاب ازدواج سابق، موضوع وجود ندارد. تأثیر تغییر جنسیت بر ازدواج موقت همانند ازدواج دائم بوده و موجب بطلان است.

تأثیر تغییر جنسیت بر مهریه

در این خصوص، چهار احتمال وجود دارد: احتمال اول آنکه پرداخت مهریه به هیچ وجه لازم نیست: چه آمیزش صورت گرفته باشد یا نه؛ چه زوج تغییر جنسیت داده باشد یا زوجه، این احتمال مورد قبول فقها نیست (۲، ۱۲). دلیل این امر آن است که مهریه به دلیل ازدواج واجب می شود و با انحلال ازدواج به دلیل تغییر جنسیت، از بین نمی رود.

احتمال دوم آنکه پرداخت مهریه در هر صورت واجب است، چه آمیزش صورت گرفته باشد یا نه. این نظریه مختار امام خمینی است.

وی معتقد است اگر زنی ازدواج کن و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، ازدواج از هنگام تغییر باطل می شود و شوهر در صورت آمیزش قبل از تغییر، باید تمام مهریه زن را بپردازد و در صورت عدم آمیزش سقوط نصف مهریه مشکل و پرداخت تمام مهریه با قواعد فقهی شبیه تر است. همچنین اگر زنی با مردی ازدواج کند و مرد تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر باطل می شود و در صورت آمیزش، باید مهریه زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش بنا بر اقوی باید بپردازد.

با توجه به کلام امام خمینی قدس سره، بین تغییر جنسیت زوجه و زوج در پرداخت مهریه، تفاوت است: اگر زوج با تغییر جنسیت خویش، موجب بطلان ازدواج را فراهم آورد. به طریق اولی بایستی تمام مهریه را پرداخت کند. برخی معتقدند در صورت عدم آمیزش قبل از تغییر جنسیت، مهریه زن را به طور کامل پرداخت شود و احتیاط آن است که مصالحه کنند (۱۵، ۱۶).

احتمال سوم آنکه هر گاه تغییر جنسیت یکی از زوجین، پس از مباشرت صورت پذیرد، پرداخت تمام مهریه به عهده زوجه سابق است و هر گاه تغییر قبل از مباشرت باشد، نصف مهریه برعهده زوج است (۱۷، ۱۸). چون بر اساس روایات متواتر و نیز شهرت فتوایی، پرداخت تمام مهریه به سبب دخول است. پس هر گاه زوجین قبل از دخول به دلیل طلاق یا تغییر جنسیت از یکدیگر جدا شوند، تنها پرداخت نصف مهریه واجب خواهد بود.

آخرین احتمال آنکه اگر تغییر جنسیت از سوی زوجه و بدون رضایت زوج صورت گیرد. پرداخت مهریه برعهده زوج واجب نیست، ولی اگر زوج تغییر جنسیت دهد، باید مهریه زوجه را پرداخت کند (۱۳).

در ازدواج موقت نیز اگر زوج تغییر جنسیت دهد، بایستی تمام مهریه را پرداخت کند، و اگر زوجه تغییر جنسیت دهد، به مقدار تخلف از میزان مهریه کاسته می شود (۲).

تأثیر تغییر جنسیت بر نفقه

هرگاه زوج یا زوجه تغییر جنسیت دهد ازدواج سابق باطل می شود و احکام زوجیت مانند نفقه نیز به تبع انتفای موضوع ازدواج سابق از بین می رود (۱۹). سقوط نفقه زوجه به دلیل تغییر جنسیت یکی از زن یا شوهر از امور مسلم و روشن فقه اسلامی است. از این رو، امام همیمی بدان اشاره نکرده است. از نظر فقهای شیعه، تغییر جنسیت پدر تأثیری در وجوب نفقه فرزندان ندارد و او همچنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است؛ چه اینکه تغییر جنسیت پدر، از نظر عرف، وی را از عنوان «پدر بودن» خارج نمی سازد (۲، ۱۲).

تغییر جنسیت مادر نیز تأثیری در نفقه فرزندان ندارد: زیرا این وظیفه، ابتدا بر عهده مادر نبوده است، بلکه از ابتدا به عهده پدر است و در نبودن وی، وظیفه جد پدری است. تنها در صورت نبود پدر و جد پدری، و با فرض توان مالی مادر، وظیفه پرداخت نفقه فرزندان به عهده مادر خواهد بود و با تغییر جنسیت وی، این وظیفه همچنان به عهده وی خواهد بود. ضمناً هر گاه پدر و مادر از نظر مالی ناتوان باشند بر فرزندان آنها، در صورت تمکن واجب است مخارج ایشان را تأمین کنند و تغییر جنسیت فرزند، تأثیری در این حکم ندارد؛ زیرا این حکم متوجه فرزند است و دختر یا پسر بودن تأثیری در آن ندارد.

تأثیر تغییر جنسیت بر عده

از نظر فقهای شیعه، در صورت تغییر جنسیت، عده زن در هر صورت ساقط است؛ چه مرد تغییر جنسیت دهد یا زن (۹). و چه عده طلاق باشد یا عده فسخ، یا عده وفات؛ حتی شامل تغییر جنسیت زوجه در زمان عده نیز می شود. از این رو، اگر زنی در زمان عده، تغییر جنسیت دهد، عده اش ساقط می شود، حتی عده وفات.

مهمترین دلیل فقها، تبدل و تغییر موضوع است و اینکه عده، مخصوص زنان است. پس عرگاه «موضوع» عوض شود و «زن» به سبب تغییر جنسیت «مرد» شود، حکم نیز عوض می شود. از این رو عده ساقط است (۲، ۱۴، ۱۹).

امام خمینی قدس سره فقط به تغییر جنسیت زوجه در زمان عده اشاره کرده است. تنها یک تن از فقهای معاصر شیعه به مساله تغییر جنسیت شوهر و مساله عده اشاره کرده است (۱۹). وی معتقد است هر گاه شوهر به زن تبدیل شود، ازدواج باطل می شود. نگه داشتن عده بر وی واجب نیست؛ چون به طور قطع، وی «زوجه مدخول بها» نبوده است. پس وی این حق را دارد فوراً و بدون نگه داشتن عده با هر مردی که می خواهد ازدواج کند.

تأثیر تغییر جنسیت بر عناوین خانوادگی

امام خمینی قدس سره معتقد است اگر هر یک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهد، نسبت خانوادگی میان آن دو قطع نمی شود، بلکه برادر، خواهر می شود و خواهر، برادر (خمینی، ۱۳۶۸: مساله ۷). نیز اگر «عمو» تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمه و اگر «عمه ای» تغییر جنسیت دهد، تبدیل به «عمو» می شود. همچنین با تغییر جنسیت، دایی به خاله، و خاله به دایی تبدیل می شود.

امام خمینی قدس سره در مورد تغییر جنسیت پدر و مادر، معتقد است اگر پدر تغییر جنسیت دهد، وی نه پدر فعلی محسوب می شود و نه مادر فعلی، و نیز اگر مادر تغییر جنسیت دهد، مرد فعلی، نه مادر است و نه پدر. این سخن امام خمینی قدس سره مورد پذیرش بقیه فقهای معاصر قرار نگرفته است (۲، ۱۸).

نکته دیگر، صدق عنوان «پدر» و «مادر» بر اساس زمان انعقاد نطفه است؛ چون «پدر» از نظر فقهی کسی است که فرزند از نطفه (اسپریم) وی به وجود می آید و «مادر» کسی است که فرزند از تخمک او پدید می آید و این امر با تغییر جنسیت پدر و مادر تغییر نمی کند (۱۸). امام خمینی قدس سره معتقد است آنچه در مورد نزدیکان نسبی گفته شده، در نزدیکان رضاعی، مانند پدر، مادر، برادر، خواهر رضاعی نیز جریان دارد.

تأثیر تغییر جنسیت بر مساله محرمیت
امام خمینی قدس سره معتقد است اگر مادر تغییر جنسیت دهد، بعد از مرد شدن، مانند پدر، کسانی که بر پسرش حلالند بر وی محرمند، هر چند حکم محل اشکال است. نیز اگر جنسیت پسر، تغییر یابد و به زن تبدیل شود، ظاهر آن است که به پسرش محرم است، هر چند مادر وی محسوب نمی شود. اگر عروس (همسر پسر) تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود، به مادر شوهر سابقش محرم است، ولی حکم به این مساله، محل اشکال است (۹).

تأثیر تغییر جنسیت بر مساله ولایت

امام خمینی قدس سره معتقد است؛ هر گاه تغییر جنسیت مرد به زن تغییر کند، ولایت وی بر کودکانش ساقط می شود. نیز هر گاه زن تغییر کند، مرد فعلی، بر کودکانش ولایت پیدا نمی کند. در این صورت، ولایت و سرپرستی کودکان برای جد پدری خواهد بود و در صورت نبود جد پدری، حاکم شرع بر کودکان ولایت دارد، کلام فوق مورد پذیرش یکی از فقیهان معاصر نیز قرار گرفته است. در مقابل عده ای از فقیهان معتقدند که ولایت پدر با تغییر جنسیت وی از بین نمی رود، چون عنوان «آت و أم» از عناوین خاص است که پس از تغییر جنسیت هر یک، این عنوان زایل نشده و صدق عرفی «آت و أم» باقی خواهد بود و حتی می توان ولایتی که قبلاً برای این شخص وجود داشته، استصحاب نمود (۱۸).

تأثیر تغییر جنسیت بر مساله حضانت کودکان

امام خمینی قدس سره در این باره اظهار نظر نکرده است، ولی با توجه به مطالب دیگر فقیهان، می توان گفت؛ هر گاه مادر در مدتی که حق حضانت کودک به او محول شده است، تغییر جنسیت دهد، وی همچنان دارای اهلیت حضانت است (۱۴، ۱۸).

تأثیر تغییر جنسیت بر مساله ارث

امام خمینی قدس سره معتقد است هر گاه فردی، جنسیت خویش را در زمان زنده بودن والدین خود تغییر دهد و آن گاه یکی از والدین وی فوت کنند، ملاک ارث، جنسیت فعلی است. بنابراین پسر فعلی، دو برابر خواهر خود، سهم الارث دریافت می کند، هر چند قبلاً دختر بوده است. امام خمینی قدس سره معتقد است اشکال باقی می ماند در ارث پدر و مادر و جد و جدّه، که اگر پدر تغییر جنسیت دهد، نه پدر فعلی محسوب می شود و نه مادر فعلی. نیز اگر مادر تغییر جنسیت دهد مرد فعلی، نه مادر است و نه پدر. در این صورت که از نظر تولید ارث می برند، یا به خاطر خویشاوندی و اولویت، یا اینکه ارث نمی برند، وی معتقد است در این مساله تردید وجود دارد و بهتر است بگوییم ارث می برند. و ارث آنها به لحاظ حال انعقاد نطفه است. بنابراین، برای پدر در حال انعقاد نطفه دو سوم می باشد؛ هر چند بعداً تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شود. نیز برای مادر در حال انعقاد نطفه یک سوم می باشد، هر چند بعداً به مرد تبدیل شود و احوط این است که با هم مصالحه کنند (۹).

نتیجه گیری

امروزه مساله تغییر جنسیت علاوه بر بحث در امور پزشکی، از لحاظ مباحث حقوقی هم دارای حائز اهمیت فراوانی می باشد. مساله تغییر جنسیت، هنوز در بین مردم حل نشده و به شکل مطلوب آن نرسیده است. نگاه مردم به چنین افرادی تمسخرآمیز و گزنده

4. Bariklo, Alireza (1382). "Gender Status Status" Private Law, No. 5, pp. 63-86..
5. Mousavi Khomeini, Ruhollah, 1385, translated by Tahrir al-Wasila, Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini (PBUH), Orouj Publishing Institute, Vol.
6. Madani Tabrizi, Seyyed Yousef (1416 AH), Al-Masa'il al-Mustadha, Qom, Dehaghani Publications, fourth edition.
7. Al-Musawi Al-Bajnurdi, Seyyed Mirza Hassan (1413 AH), Rules of Jurisprudence, Ismaili Institute, Qom.
8. Najafi, Mohammad Hussein, (unpublished), Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam, Volume 42, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, Beirut, Lebanon.
9. Khomeini (RA), Ruhollah, (1362), Tahrir al-Wasila, Kazemin Publications, Tehran.
10. Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan (1387 AH), Al-Mabsut Fi Fiqh Al-Imamiya, Sayyid Muhammad Taqi Kashfi, Al-Mortazaviyyah Library for the Revival of Al-Jaafariyah Works, Tehran - Iran.
11. Majlisi, Mohammad Baqir, Baharalanvar, Beirut Dar Al-Ahya Al-Tharat Al-Islami, 1403 AH.
12. Momen Qomi, Sheikh Mohammad (1375), gender reassignment, Ahl al-Bayt jurisprudence, second year, No. 7.
13. Sanei, Yousef (1998), Medical Referendums, Meysam Tamar, Qom.
14. Motahari, Ahmad (1403), Documentary of Tahrir al-Waseela (Contemporary Issues), Khayyam, Qom.
15. Khodadadi, Gholam Hossein, (2006), Rulings of Physicians and Patients (Fatwa of Ayatollah Fazel Lankarani).
16. Montazeri, Hossein Ali (1417), Studies in the Sacred Gains, Montazeri School, Qom.
17. Janati, Mohammad Ibrahim (2003), Treatise on Explanation of Matters (Istifta

است و چنین افرادی را دارای اختلالات روانی می‌پندارند. قانونگذار نیز تاکنون حکم صریح و روشنی را در مورد این افراد تصویب نکرده است.

در موضوع تغییر جنسیت افراد به دو گروه تقسیم می‌شوند الف) گروه اول افرادی هستند که بدو تولد دارای اختلال دو جنسیتی هستند (افراد دوجنسه). این افراد دارای آلت تناسلی از هر دو جنس (مذکر و مؤنث) می‌باشند. از این رو دارای اختلال هویت جنسیتی یا ابهام در جنسیت هستند. در واقع تغییر جنسیت برای این گروه به عنوان معالجه و خروج افراد دوجنسه از بلا تکلیفی جنسی است. ب) گروه دوم افرادی که دارای اختلال هویت جنسیتی هستند (افراد ترانس سکشوال) یعنی، از نظر فیزیکی هیچ‌گونه اختلال جنسیتی ندارند ولی حاضر به پذیرش نیستند به عبارت دیگر این گروه از بیماران روانی مردانی هستند که خود را زن می‌دانند و یا برعکس زنانی هستند که خود را مرد می‌پندارند. تغییر جنسیت در بیماران ترانس سکشوال مورد اختلاف شدید حاصِب نظران می‌باشد و تقریباً همه فقیهان سنی و نیز کلیسای مسیحی با این عمل جراحی مخالفند، از نظر آنان، این کار تغییر در خلقت خداوند است. اما عده زیادی از فقیهان شیعه با این کار موافقت می‌کنند. فقهای اسلامی مدت مدیدی است که مساله تغییر جنسیت را مورد توجه قرار داده و آن را از جمله مباحث مستحدثه شمرده و در این راه کوشش‌هایی انجام داده‌اند. دیدگاه فقیهان در قبال مقوله «تغییر جنسیت» بر سه دسته است: دسته اول (مخالفت کلی، دسته دوم) موافقت در صورت اضطرار و دسته سوم) بدون اشکال شرعی. امام خمینی (ره) در گروه افراد اخیر قرار دارد.

تحلیل و بررسی ادله قرآنی و مبانی فقهی امام خمینی در این پژوهش مشخص کرد که با استناد به قرآن کریم و ادله فقهی و دیدگاه‌های امام خمینی می‌توان تغییر جنسیت افراد ترانس را جایز دانست. البته این افراد پس از تغییر جنسیت دچار تغییرات و تحولاتی در حقوق خود می‌شوند که این موضوع نیز تبیین و بررسی گردید.

References

The Holy Quran

Iran constitution

Iranian Civil Law

1. Dozduzani, Yadollah (1387). Gender reassignment yes or no? By the efforts of Mohsen Dalir. First Edition, Qom: Amin's Works.
2. Kharazi, Seyed Mohsen (1379). Gender reassignment, Journal of Jurisprudence of Ahl al-Bayt (AS) (Persian), p. 6, number 23.
3. Nikkho, Mohammad Reza (2001), The Life of Men and Women, Sokhan, Tehran.

'At), vols. 1 and 2, Qom, Ansarian Publishing, 2nd edition.

18. Al-Mu'min, Muhammad (1415), Sadida words in new issues, Islamic Publishing Institute, Qom.

19. Sadr, Seyed Mohammad (1996). Transcendental jurisprudence. Beirut Dar Al-Azwa.